

# ن

آبر در آسمان است . آدم دندان دارد . آن مرد نان دارد .

در سبده انار است . در آبان باران آمد . آن مرد در باران آمد .

او در آبادان دربان است . او ساسان نام دارد .

ساسان دندان درد دارد . دانا آداب دارد . نادان آداب ندارد .

آن درس آسان است . من داستان دوست دارم .

در انبار آرد بود . نان در تنور است .

مامان در دست نان دارد .



# ز ن

نا نَ نو نان نم نم باران انار مَن

آن آبان آسمان آبادان آنان آسان

دامن دانا دندان داستان درمان دربان

نام نادان مامان ساسان سامان سوسن

نور نبات تن تنور بدن مردان

نبود دارند ندارم ندارد

